



حسابرسی داخلی؛ پیشگیری‌ای بالاتر از درمان

کندوکاوی در چپستی حسابرسی و کنترل‌های داخلی

به عوامل مذکور، ساختار حاکمیت شرکتی شامل ساز و کارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است که برای دستیابی به اهداف چهارگانه، «پاسخگویی»، «شفافیت»، «انصاف» و «رعایت حقوق ذی‌نفعان»، نقش‌های اساسی در شرکت‌ها و بازار سرمایه، به‌عهده دارند. برخی از این ساز و کارها به شرح زیر است:

- نظام حقوقی، قوانین و مقررات موضوعه، کارایی بازار، سهامداران عمده و نهادی، حسابرسی مستقل، موسسات رتبه‌بندی و... به عنوان سازوکارهای برون‌سازمانی و...

- هیات مدیره اجرایی و مدیران غیراجرایی و مستقل (که به غلط بر اساس مفاد قانون تجارت در ایران از آن با عنوان مدیران غیرموظف نامیده شده)، کمیته‌های مختلف متشکل از مدیران غیراجرایی و مستقل شامل: کمیته حسابرسی، پاداش، انتصابات، مدیریت ریسک، اخلاق سازمانی، کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و... به عنوان سازوکارهای درون‌سازمانی است.

بررسی موضوع سوء جریان، تقلب، مشکلات یا فروپاشی شرکت‌ها در ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد که ضعف یا نبود یک یا چند سازوکار حاکمیت‌شرکتی درون‌سازمانی یا برون‌سازمانی، علت اصلی این مشکلات بوده است. فروپاشی شرکت‌های بزرگ مثل «نیرون» در آمریکا، «وورد کام» و... در اوایل هزاره جدید یا بحران مالی و اعتباری سال ۲۰۰۸ که به یک معضل جهانی فراگیر تبدیل شد، نمونه‌هایی از ضعف یا نبود برخی از سازوکارهای درون‌سازمانی از

بر اساس قانون بازار اوراق بهادار، ارائه اطلاعات گمراه‌کننده، تاخیر یا عدم ارائه اطلاعات به بازار جرم محسوب می‌شود. کنترل‌های داخلی به‌عنوان یکی از سازوکارهای بااهمیت و کلیدی درون‌سازمانی حاکمیت شرکتی است. طراحی مناسب و استقرار و کارکرد اثربخش سیستم‌های کنترل داخلی، به مدیران شرکت‌ها کمک می‌کند تا از وقوع تخلفات و سوءجریان‌های احتمالی، پیشگیری کنند.

به دلیل اهمیت موضوع و حصول اطمینان از وضعیت کنترل‌های داخلی شرکت‌های بورسی، دستورالعمل کنترل‌های داخلی در ۱۸ ماده و ۲ تبصره در ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ به تصویب رسید. متعاقب آن، در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل مذکور، در اواخر سال ۱۳۹۱، منشور حسابرسی داخلی به تصویب هیات مدیره سازمان بورس رسید و لازم‌الاجرا شد. این موضوع، اقدام شایسته‌ای برای سلامت مالی و بهبود سیستم‌های کنترلی داخلی در شرکت‌ها بود.

شرکت‌ها براساس قوانین موضوعه مصوب مجلس شورای اسلامی و زیرنظر قوای مجریه و قضاییه و نظارت سازمان بورس اوراق بهادار و عملیات اجرایی شرکت بورس، تاسیس و با ساختار حاکمیت شرکتی، فعالیت می‌کنند. همچنین، در محیط شرکت‌ها، اهالی بازار سرمایه، کارگزاران، تحلیلگران، حساب‌برسان مستقل، رسانه‌ها و دیگر بخش‌ها وجود دارند و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند. افزون بر آن، عوامل درون‌سازمانی از جمله هیات‌مدیره برای ایجاد ارزش در شرکت نقش کلیدی دارند. با عنایت



دکتر یحیی حساس یگانه

استاد دانشگاه

حسابداری رسمی

بودن

دی‌ماه ۱۳۹۲ • شماره ۱۰۷

- آیا سیستم‌های مناسب کنترل داخلی برای سازمان طراحی شده‌است؟
- آیا این سیستم به‌نحوه اثربخشی اجرا می‌شود؟
- کارکرد این سیستم به‌نحوی است که اشتباهات و سوء جریان‌های احتمالی را که موجب ضرر و زیان برای سازمان می‌شوند را شناسایی کرده و زنگ خطر را به‌موقع به صدا درآورد؟

استاندارد بین‌المللی حسابرسی داخلی، حسابرسی داخلی را این‌گونه تعریف می‌کند: «حسابرسی داخلی یک فعالیت اطمینان‌بخشی، مشاوره‌ای مستقل و بی‌طرفانه به‌منظور ارزش‌افزایی و بهبود عملیات یک سازمان است. حسابرسی داخلی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا اهدافشان را با استفاده از رویکردی منظم و نظام‌مند برای ارزیابی و بهبود اثربخشی فرایندهای مدیریت ریسک، کنترل و راهبری به انجام رسانند.»

سه مفهوم مرتبط با مدیریت ریسک، فرایندهای مدیریت و کنترل باعث بروز یک فرایند و نقش جدید در حسابرسی داخلی می‌شوند که به آن نقش ارزش‌افزوده (ارزش‌افزایی...) می‌گویند.

نقش ارزش‌افزایی

نقش ارزش‌افزایی حسابرسی داخلی در استاندارد بین‌المللی اجرای عملیات ۲۱۰۰ به روشنی بازگویی شده است: «حسابرسی داخلی باید موارد با اهمیت در معرض ریسک را شناسایی و بررسی کرده و در رفع آنها به سازمان باری رسانده و به بهبود مدیریت ریسک و سیستم‌های کنترلی کمک کند.

عملکرد حسابرسان داخلی باید اطمینان منطقی بدهد که:

- ۱- سیستم مدیریت ریسک، موثر است.
 - ۲- سیستم کنترل داخلی کارا و اثربخش است.
- ارزش‌افزایی به معنای کمک به هیات مدیره درباره موارد زیر است:
- اصلاح و بهبود کنترل‌ها
 - اصلاح و بهبود تصمیم‌گیری
 - شناسایی عوامل موثر بر ایجاد ارزش در سازمان
 - بهبود استراتژی‌ها
 - بهبود روند کنونی و جهت‌گیری مناسب عملیات
 - بهبود مستمر عملیات.

مفهوم کنترل داخلی

برخلاف تصور عمومی که کنترل‌های داخلی را مجموعه اقدامات سازمان برای پیشگیری از تقلب کارکنان می‌داند، سیستم کنترل داخلی مسایلی فراتر از اینها را در برمی‌گیرد و شامل طرح سازمان، کلیه خط و مشی‌ها و روش‌های مالی و غیرمالی است که برای حصول اطمینان نسبی از دستیابی به هدف‌های سازمان، توسط مدیریت برقرار می‌شود. علت استقرار سیستم کنترل داخلی، کمک به مدیریت سازمان برای دستیابی به هدف‌های موردنظر است. مدیریت سازمان، سیاست‌ها و روش‌های مشخصی را طراحی و برقرار می‌کند تا از برآورده شدن هدف‌هایی که به اعتقاد مدیریت دستیابی به آنها مهم است، اطمینانی معقول به دست آورد. هر یک از این سیاست‌ها و روش‌ها را کنترل داخلی و مجموعه آن‌را سیستم کنترل داخلی می‌نامند.

در سال ۱۹۸۵ کمیته‌ای با نام کمیته سازمان‌های مسئول کمیسیون تردوی (COSO) با پشتیبانی و مشارکت معروف‌ترین محافل حرفه‌ای آمریکا شامل انجمن حسابداران رسمی (AICPA)، انجمن حسابداری (AAA)، انجمن حسابرسان داخلی (IIA)، انجمن حسابداران مدیریت (IMA)، انجمن مدیران مالی (FEI) به همراه گروهی از مشاوران، کار تحقیقی گسترده‌ای را بر روی تعاریف و مفاهیم کنترل داخلی انجام دادند نتیجه تلاش ارزشمند این گروه پس از طی چند مرحله، گزارشی بود که با نام چارچوب کنترل داخلی یکپارچه در سال ۱۹۹۲ منتشر شد. در این گزارش بسیار ارزشمند که به گزارش COSO

جمله کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی در شرکت‌ها و بانک‌ها و موسسات اعتباری آمریکایی و اروپایی بود. اگرچه، سازوکارهای برون سازمانی تحت کنترل مدیران و سهامداران شرکت‌ها نیستند، اما برخی از اساسی‌ترین سازوکارهای دورن سازمانی مثل کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی تحت کنترل آنها بوده و استقرار آنها از وظایف مدیران موفق و کارآمد است. مدیران موفق توجه جدی به سازوکارهای کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی دارند. طراحی و اجرای سیستم کنترل‌های داخلی کارآمد و ایجاد واحد حسابرسی داخلی با بکارگیری حسابرسان داخلی با صلاحیت حرفه‌ای، ضمن آنکه از وظایف اصلی آنهاست، می‌تواند به عنوان عاملی بازدارنده پیشگیری سوء جریان‌های احتمالی در شرکت‌ها باشد. به عبارت دیگر به بکارگیری این سازوکارها، پیشگیری است که بهتر از درمان است.

گذری بر پیشینه حسابرسی داخلی

پیشینه حسابرسی داخلی بسیار قدیمی است، ولی رد پای تقاضا برای حسابرسی داخلی را در مقاله‌ای در وال استریوت ژورنال در اواخر قرن نوزدهم، به نقل از مطالب مطروحه در مجمع عمومی سالانه شرکت گروه آلمان در ۱۷ ژانویه سال ۱۸۷۵ میلادی می‌توان یافت که آمده بود: «حسابرسان باید مشخص کنند که آیا: قوانین و مقررات، خط‌مشی‌های مدیریت، قراردادهای موجود و فرایندها به دقت مورد توجه قرار گرفته‌اند؟ تمام معاملات مطابق برنامه‌های مصوب با موفقیت انجام شده‌اند؟ در این رابطه حسابرسان باید پیشنهادهایی را برای بهبود عملیات و فرایندهای فعلی ارائه، قراردادها و خط‌مشی‌ها را نقد و بررسی کرده و پیشنهادهایی برای بهبود آنها ارائه دهند و ...»

در مورد تقاضا برای خدمات حسابرسی و نقش‌های آن، حسابرسی داخلی در سال‌های بعد تحولات و تغییرات بسیاری را تجربه کرد. حسابرسی داخلی از نقش اولیه کنترل ثبت‌های حسابداری یا ممیزی اسناد به ارزش‌افزایی به سازمان‌ها و شرکت‌ها تغییر نقش داد و جایگاه بسیار ارزشمندی در ساختار آنها پیدا کرد.

حسابرسی داخلی، هم‌زمان با فعالیت یک نفره آغاز می‌شود، زیرا در همان ابتدای شروع فعالیت، همواره این پرسش مطرح است که «چگونه می‌توان کار را بهتر انجام داد؟» در یک سازمان کوچک، برای پاسخ پرسش مذکور، به مدد کنترل‌های مختلف توسط مدیران سازمان، تا حد معقول پاسخ داده می‌شود. به تدریج با بزرگ شدن سازمان و پیچیده شدن فعالیت‌ها، امکان رسیدگی به تمام وظایف به تنهایی از مدیران سلب می‌شود. در این شرایط لازم است یک سیستم مناسب و کارآمد نظارتی ایجاد شود تا با دریافت گزارش‌ها از نتایج عملیات و سلامت فعالیت‌ها اطمینان حاصل کنند. بنابراین، لازم است یک یا چند نفر به طور تمام‌وقت بر مجموعه عملیات و فعالیت‌ها، نظارت کنند. این افراد به بررسی امور پرداخته و به مجموعه پرسش‌هایی که در یک سازمان مطرح می‌شود، پاسخ می‌دهند. این پرسش‌ها به شرح زیر مطرح می‌شوند:

- خط و مشی‌ها و رویه‌های مصوب رعایت می‌شوند؟
- کارکنان کارایی لازم را دارند؟
- از اموال به درستی استفاده شده و به نحوه مناسبی حفاظت می‌شوند؟
- بودجه مصوب رعایت می‌شود؟
- عملکرد واحدها چگونه است؟
- می‌توان کالا و یا خدمات را ارزان‌تر و با کیفیت بهتر ارائه کرد؟
- نحوه عمل موجود چگونه است؟
- چگونه می‌توان کار (یا هزینه‌ها) را بهتر انجام داد؟
- راهکارهای بهتری برای انجام امور وجود دارد؟
- راهکارهای جدید چه تاثیری بر کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی در سازمان دارد؟

معروف است، کنترل داخلی این‌گونه تعریف شده‌است:

«کنترل داخلی فرایندی است که به منظور کسب اطمینان معقول از تحقق اهداف زیر توسط هیات مدیره، مدیریت و سایر کارکنان سازمان مستقر می‌شود:

- قابلیت اعتماد گزارشگری مالی (دربرگیرنده اهداف گزارشگری مالی)

- اثربخشی و کارایی عملیات (دربرگیرنده اهداف عملیاتی)

- رعایت قوانین و مقررات مربوط (دربرگیرنده اهداف رعایتی)»

گروه اول به تهیه صورت‌های مالی قابل اعتماد شامل صورت‌های مالی سالانه، میان‌دوره‌ای و سایر اقلام مالی استخراج شده از این صورت‌ها مربوط است که برای اطلاع عام منتشر می‌شوند. گروه دوم به اهداف اساسی یک سازمان شامل اهداف مرتبط با عملکرد و سودآوری و همچنین حفاظت دارایی‌ها اشاره می‌کند و گروه سوم با رعایت قوانین و مقررات مربوط به سازمان سروکار دارد. هر یک از این گروه‌ها که متمایز و در عین حال دارای نقاط اشتراک هستند به نیازهای متفاوتی می‌پردازند و زمینه تمرکزی صریح و دقیق را برای برآوردن نیازهای جداگانه فراهم می‌آورند. هر چند کنترل داخلی یک فرایند است، اما اثربخشی آن وضعیتی از این فرایند در یک مقطع یا مقطعی از زمان است. سیستم کنترل‌های داخلی به لحاظ اثربخشی در مراتب مختلفی قرار می‌گیرند. کنترل داخلی در صورتی اثربخش محسوب می‌شوند که هیات‌مدیره و مدیریت از موارد زیر اطمینان معقول داشته باشند:

• تهیه صورت‌های مالی قابل اعتماد

• میزان دستیابی به اهداف عملیاتی سازمان

• رعایت قوانین و مقررات مربوط



اجزای ساختار کنترل داخلی

کنترل داخلی از ۵ جزء مرتبط به هم تشکیل می‌شود. این اجزاء از فلسفه و نگرش و مدیریت سازمان سرچشمه می‌گیرند و با فرایند مدیریت آمیخته می‌شوند. در ادامه به تعریف طور مختصری از این اجزاء ارائه می‌شود:

محیط کنترلی: مجموعه فضای عمومی سازمان که تحت کنترل ویژگی‌های فردی مدیریت و کارکنان بوده و بسیار با اهمیت و اساسی است، برای کلیه اجزای کنترل داخلی و ساختار سازمانی فضای کنترلی را به وجود می‌آورند. به عبارت دیگر محیط کنترلی فضای عمومی سازمانی را تشکیل می‌دهد که از یک سو در کنترل آگاهانه افراد تاثیرگذار است و از سوی دیگر تحت تاثیر ویژگی‌های فردی مدیریت و کارکنان قرار دارد.

ارزیابی ریسک: شناسایی و تجزیه تحلیل ریسک‌های فراروی سازمان به منظور دستیابی به اهداف و به‌عنوان مبنایی برای تعیین اینکه چگونه ریسک‌ها باید مدیریت شوند.

فعالیت‌های کنترلی: شامل خط‌مشی‌ها و رویه‌هایی است که به مدیریت اطمینان می‌دهد که دستورالعمل‌ها و رهنمودهای مصوب اجرا می‌شود.

اطلاعات و ارتباطات: شامل فرایندها و سیستم‌هایی است که شناسایی، ثبت و گردش اطلاعات در یک ساختار و چارچوب زمانی که کارکنان قادر به انجام مسئولیت‌هایشان باشند را در برمی‌گیرد.

نظارت: یا پیش‌مستمر عملکرد کنترل‌های داخلی، شامل فرایندهایی است که کیفیت عملکرد کنترل داخلی را مورد پایش قرار می‌دهد و از سلامت آن اطمینان می‌دهد.

۵ جزء ساختار کنترل داخلی به هم پیوست و وابسته‌اند. کنترل داخلی فرایند سلسه مرتبی و یا یک سویه نیست که یک جزء تنها بر جزء بعدی تاثیر گذارد. اجزای کنترل داخلی با یکدیگر مرتبط هستند و هر جزء می‌تواند سایر اجزاء را متأثر کند و از آنها تاثیر بگیرد. به دلیل تفاوت عملیاتی و ساختاری سازمان‌ها، دو سازمان را نمی‌توان یافت که سیستم کنترل داخلی یکسانی داشته باشند. سازمان و نیازهای کنترلی آنها به لحاظ نوع صنعت، اندازه، فرهنگ و فلسفه و نگرش مدیریتی به نحو چشمگیری متفاوت هستند. بنابراین، با آنکه تمام سازمان‌ها برای کنترل فعالیت‌هایشان به تمام اجزای کنترل داخلی نیاز دارند،

اما، سیستم کنترل داخلی هر شرکت متفاوت از بقیه شرکت‌ها خواهد بود و کپی‌برداری محض از سیستم کنترل داخلی یک سازمان نمی‌تواند برای سازمان دیگری مناسب و اثربخش باشد و در برخی از موارد می‌تواند زیان‌بار باشد.

رابطه اجزای کنترل داخلی و اهداف واحد اقتصادی

میان اهدافی که سازمان‌ها خواهان تحقق آن هستند و اجزای کنترل داخلی که لازمه تحقق این اهداف هستند، رابطه مستقیم و بلاواسطه برقرار است. همچنین، اجزای کنترل داخلی به کل واحدهای اقتصادی یا یکی از بخش‌های آن مربوط است.

ارزیابی مدیریت از کنترل‌های داخلی و اهمیت آن

به دلیل اهمیت و نقش اساسی کنترل‌های داخلی به عنوان عامل پیشگیری قبل از درمان، در ساختار حاکمیت شرکتی، برخی از کشورها، این موضوع را در قوانین موضوعه خود لحاظ کرده‌اند. به عنوان مثال، طبق الزامات بخش ۴۰۴ قانون سرپنزاکسلی که در سال ۲۰۰۲ در آمریکا به تصویب رسید، مدیریت شرکت‌ها باید گزارشی در خصوص اثربخشی کنترل‌های داخلی شرکت ارائه کنند. طبق مقررات نهایی بخش ۴۰۴ (اعلام شده توسط SEC) گزارش کنترل‌های داخلی باید به تفصیل شامل موارد زیر باشد:

- تبیین مسئولیت مدیریت جهت استقرار و حفظ کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی.

- ارائه چارچوب مورد استفاده مدیریت به عنوان معیاری برای ارزیابی اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی.

- ارزیابی مدیریت در خصوص اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی طبق بررسی‌ها برای پایان سال مالی (یا برای یک دوره مالی خاص) این گزارش در برگیرنده بیان صریح در مورد اینکه آیا کنترل‌های داخلی اثربخش است و نیز افشای هرگونه نقاط ضعف با اهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی که توسط مدیریت شناسایی شده است.

- بیان اینکه حساب‌برسان مستقلی که صورت‌های مالی سالانه را مورد رسیدگی قرار داده در مورد ارزیابی مدیریت از کنترل‌های داخلی نیز اظهار نظر کند.

در بازار سرمایه ایران هم، دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران بورسی بعد از بررسی کمیته‌های کارشناسی سازمان بورس، جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی، تصویب و به ارکان مختلف بازار سرمایه ابلاغ شد. براساس این دستورالعمل، شرکت‌ها باید سیستم کنترل داخلی مناسب و اثربخش را مستقر کرده و به صورت سالانه آن را ارزیابی کنند و سپس نتایج ارزیابی خود را در گزارشی با عنوان گزارش کنترل‌های داخلی به بازار منعکس کنند. صاحب‌نظران براین باورند که الزامات بخش ۴۰۴ قانون سرپنزاکسلی و دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران بورسی، یکی از ارزشمندترین راهکارهای ارتقای سلامت مالی و گزارشگری شرکت‌های بورسی است.

با این همه باید اذعان کرد که بار مسئولیت سنگین جدیدی بر دوش مدیران شرکت‌ها و حساب‌برسان مستقل می‌گذارد. مدیریت باید اثربخشی کنترل‌های داخلی را مورد بررسی قرار داده و هرگونه نقاط ضعف عمده کنترل‌ها را گزارش کنند و حساب‌برسی مستقل آن را رسیدگی و نتایج را گزارش کنند. سال‌هاست که بر اساس استانداردهای حسابرسی صورت‌های مالی سالانه، حساب‌برسان در هنگام تدوین طرح کلی و طرح تفضیلی، کنترل‌های داخلی را ارزیابی می‌کنند. ولی با الزامات جدید حساب‌برسان باید گزارش کنترل‌های داخلی را از مدیریت گرفته و با انجام رسیدگی‌هایی نسبت به آن اظهار نظر کند. نوع اظهار نظر در مورد کنترل‌های داخلی با نوع اظهار نظر در مورد صورت‌های مالی کاملاً مرتبط است و این موضوع مسئولیت سنگین جدیدی که بر عهده حساب‌برسان گذاشته شده است.

با این همه و با این بار سنگین، گزارشگری کنترل داخلی یکی دیگر از راهکار مناسب برای ارتقای سلامت مالی و پیشگیری قبل از درمان است. اینگونه باد.